



128

Vol. 33
Autumn 2024
P.P: 211-240

Research Paper

Received:
2023-02-23
Revised:
2023-08-21
Accepted:
2024-12-10
Published:
2024-12-12

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Defense Policy

The strategic deepening of Iran's Islamic revolution in the Indian subcontinent (case study: Shiites of the Indian subcontinent with an emphasis on India and Pakistan)

Masoud Abdi ¹ | Ali Abolkhani ²

Abstract

Since the revolution of 1957 until now, the Islamic Republic of Iran has expanded its ideological sphere of influence at regional and extra-regional levels by emphasizing Islamic ideology in order to strengthen the position of our country in power equations in the global political scene. Considering the geostrategic importance of the Indian subcontinent in the geopolitical relations of world powers and the presence of a large Muslim population, especially Shiites, and the common cultural and historical bases in the political geography of this region, it is undeniable that it is necessary to investigate the opportunities available in it for deepening the Islamic revolution. Therefore, the present research, using a descriptive-analytical method and referring to the available documents and library sources, investigated the hypothesis that the Shiites of the Indian subcontinent (emphasis on India and Pakistan) are one of the opportunities for the deepening of the Islamic Revolution of Iran and the capacity has paid attention to the common and favorable bases and contexts of this region for territorialization and deepening of the Islamic Revolution. The results of the present study showed that the religious homogeneity and inclusion of the largest minority of Shiites in this region, as well as the presence of Iranian immigrant Shiites, Iran's role as a model in the field of anti-arrogance and favoritism, the existence of Palestine's capacity for convergence along with other platforms such as common language and culture And the formation of various institutions and organizations provides favorable platforms for the Islamic Republic of Iran in this field.

Keywords: strategic depth; Islamic Republic of Iran; Territorialization; Indian subcontinent.

1. Corresponding author, instructor and faculty member, Department of Political Science, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran
masoud.abdi@pnu.ac.ir

2. Ph.D. student, military political geography, Faculty of the Great Prophet, Imam Hossein University, Tehran, Iran

DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.128.8.3

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





۱۲۸

سال سی و سوم

پاییز ۱۴۰۳

صص: ۲۴۰-۲۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰

«سیاست دفاعی»

عمق افزایی راهبردی انقلاب اسلامی ایران در شبه‌قاره هند (مطالعه موردی: شیعیان شبه‌قاره هند با تأکید بر هند و پاکستان)

مسعود عبدی^۱ | علی ابوالخانی^۲

چکیده

جمهوری اسلامی ایران از انقلاب سال ۵۷ تا کنون با تأکید بر ایدئولوژی اسلامی به‌منظور تقویت جایگاه کشورمان در معادلات قدرت در صحنه سیاست جهانی، به گسترش حوزه نفوذ ایدئولوژیک خود در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پرداخته است. با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک شبه‌قاره هند در روابط ژئوپلیتیک قدرت‌های جهانی و وجود جمعیت بالای مسلمان، بخصوص شیعیان و بسترهای مشترک فرهنگی تاریخی در جغرافیای سیاسی این منطقه لزوم بررسی فرصت‌های موجود در آن برای عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی انکارناپذیر است؛ بنابراین پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به اسناد و منابع کتابخانه‌ای موجود به بررسی این فرض که شیعیان شبه‌قاره هند (تأکید بر هند و پاکستان) به‌عنوان یکی از فرصت‌های عمق‌بخشی انقلاب اسلامی ایران هستند پرداخته و ظرفیت‌ها، بسترها و زمینه‌های مشترک و مساعد این منطقه برای قلمروسازی و عمق‌بخشی انقلاب اسلامی را مورد توجه قرار داده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تجانس دینی و در برگیری بزرگ‌ترین اقلیت شیعیان در این منطقه، همچنین حضور شیعیان مهاجر ایرانی، الگو بودن ایران در زمینه استکبارستیزی و مستضعف‌نوازی، وجود ظرفیت فلسطین برای همگرایی در کنار سایر بسترها از جمله زبان و فرهنگ مشترک و شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های مختلف، بسترهای مساعدی را برای جمهوری اسلامی ایران در این زمینه مهیا می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: عمق‌بخشی راهبردی؛ جمهوری اسلامی ایران؛ قلمروسازی؛ شبه‌قاره هند

۱. نویسنده مسئول، مربی و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
masoud.abdi@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، جغرافیای سیاسی نظامی، دانشکده پیامبر اعظم، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.128.8.3



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

دین پدیده‌ای چندبعدی است که در ابعاد فردی، اجتماعی و ملی ظهور می‌کند. از سوی دیگر فرقه‌ها راه‌هایی برای فهم دین هستند. همان‌طور که مذهب و فرقه دارای تأثیرات فردی‌اند، در زمینه روابط اجتماعی و بین‌المللی نیز تأثیر گذارند. مفاهیمی مانند ارزش‌ها، اعتقادات، فرهنگ، ایدئولوژی و جنسیت در ساخت هویت افراد مؤثرند. به‌ویژه دین و جهان‌بینی یکی از اساسی‌ترین عناصر تعریف هویت برای افراد و جوامع هستند. در سطح ملی، دین به‌عنوان پدیده‌ای ظاهر می‌شود که بر سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها تأثیر گذار است. از قرن بیست و یکم، این تأثیر گذاری در روابط بین‌الملل در زمینه‌های مختلف بیشتر مشاهده می‌شود.

هنگام بررسی فرایندهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی، مشاهده می‌شود که باورهای دینی، شکل‌های دین‌محور و سازمان‌های غیردولتی در فرایند تصمیم‌گیری مدیران دولتی تأثیر گذارند. دولت‌ها از هر راهی برای حفظ منافع ملی خود تلاش می‌کنند و دین ابزاری است که دولت‌ها برای تحقق منافع ملی خود در این زمینه استفاده می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت هر نظام سیاسی ایدئولوژیک، اهداف سیاست خارجی خود را در چارچوب باورها و آرمان‌های خویش تعریف می‌کند. این ایدئولوژی مبنای چارچوب ذهنی سیاست‌گذاران است.

بخشی از اهداف سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام ایدئولوژیک، متوجه مسئولیت‌های فراملی این نظام است که جنبه جهانی دین مبین اسلام را پوشش می‌دهد. بدین منظور جمهوری اسلامی ایران، سیر حرکتی سیاست خارجی خود را به‌گونه‌ای هدف گذاری کرده است که هم‌نیازهای مادی و معنوی ملت و هم ضروریات اولیه مانند امنیت، استقلال و غیره و هم مسئولیت‌های فراملی که بخش تفکیک‌ناپذیر اندیشه سیاسی اسلام است را مورد توجه قرار دهد (شجاعی، ۱۳۸۹: ۲۵).

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، به‌عنوان یک نظام سیاسی برخاسته از متن دین، اذهان بسیاری را به خود معطوف کرد (جونقانی، طاقتی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۴). این نظام بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، نقشی کارآمد و تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای در جهان اسلام داشته است

(farsi.khamenei.ir) و به عنوان کانون الهام بخش و الگوی بیداری ملت‌ها و به‌ویژه مسلمانان شناخته می‌شود (فیروز کوهی، ۱۳۹۲: ۲).

بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، بر سعادت تمام انسان‌ها در همه جوامع بشری تأکید دارد و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌داند؛ بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در تمام نقاط جهان حمایت می‌کند (حسینی نیک، ۱۳۹۷: ۴۱).

برای دستیابی به چنین اهدافی، مفهوم و راهبرد عمق بخشی انقلاب اسلامی طرح می‌شود تا با بازتولید مستمر و سازماندهی شده گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس و نامتجانس، از طریق نشر و گسترش حقایق آن، دو هدف کسب منافع امنیت ملی و دفع تهدیدات انقلاب اسلامی در سرزمین هدف را از طریق الگوسازی برآورده کند (افتخاری و فیروز کوهی، ۱۳۹۷: ۹). حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و عمق بخشی و توسعه گفتمان و آرمان انقلاب، بر اساس اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی ایران، از مبانی اصلی تأمین امنیت به شمار می‌روند که به برقراری پیوند میان امنیت ملت‌های مسلمان و امنیت ملی پرداخته است (قاسمی، ۱۳۹۷: ۶).

ضرورت شناخت موقعیت شیعیان در سراسر جهان امری است که پیش‌نیاز ایجاد تعاملات دوجانبه در جهت اهداف و منافع اسلامی، شیعی و ملی است. شیعیان نیروهایی هستند که بیشترین استعداد را در جهت حمایت بی‌قید و شرط از تفکر انقلاب اسلامی دارند و تا کنون بیشترین تأثیر گذاری انقلاب اسلامی ایران، بر شیعیان جهان بوده است و این انقلاب موجب احیای مجدد حیات سیاسی و اجتماعی شیعیان شده است (محمدی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۳۰).

انقلاب اسلامی با نگرشی فراملی و بر اساس هویت و تمدن اسلامی، از انقلاب و مبارزه اسلامی، همه مسلمانان را در یک جبهه واحد هویتی با مسائل، دغدغه‌ها و ظرفیت‌ها و اولویت‌های مشابه قرارداد و مسلمانان را به ایجاد امت واحدی بر اساس هویت دینی فراخواند که جدایی‌های ملی، نژادی و قومی را کوچک‌تر از هدف متعالی خود بدانند (محمدی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۲۲). از این جهت انقلاب اسلامی ایران با نگرشی تمدن‌ساز و قدرت افزا برای مسلمانان در برابر

مستکبران بر اساس قاعده نفی سیل، یکی از وظایف اساسی خود را حمایت از مسلمانان و خصوصاً تقویت شیعیان می‌داند (ابوالخانی، ۱۳۹۵: ۵).

شبه‌قاره هند، با توجه به مجاورت جغرافیایی با ایران و همچنین جایگاه ویژه‌ای که در روابط ژئوپلیتیک قدرت‌های جهانی دارد (کریمی‌پور، ربیعی و ابوالخانی، ۱۳۹۵: ۶۸) باید مورد توجه استراتژیست‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد و تلاش برای خلق راهبرد مناسب عمق افزاینده با دو هدف کسب منافع ملی و دفع تهدیدات و گسترده قلمرو انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد. این منطقه ژئوپلیتیکی در طول تاریخ خود همواره محل منازعه قدرت‌های بزرگ بوده و جنبش‌های ملی و مذهبی آن ظرفیت‌های بالایی را برای استکبارستیزی و پیوند با مفاهیم برآمده از انقلاب اسلامی ایران نظیر عدالت‌خواهی و استقلال‌خواهی از خود به نمایش گذاشته است. یکی از این بسترهای فرهنگی و مذهبی، شیعیان ساکن در این جغرافیا هستند که بیشتر به صورت گسترده‌تر در هند و پاکستان قرار گرفته‌اند؛ بنابراین در پژوهش حاضر نیز بر این دو کشور تأکید شده است. تاریخ تشیع در برخی از مناطق شبه‌قاره هند سابقه‌ای دیرینه دارد که افزون بر حضور جمعیت‌های شیعی، در دوره‌های مختلف تاریخی، حکومت‌های شیعی نیز در این مناطق تشکیل شده‌اند (Markovits, 1994: 157). این اقلیت مذهبی با یافتن جایگاه واقعی خود در سیاست و اقتصاد و جامعه شبه‌قاره هند می‌تواند پیونددهنده قوی جمهوری اسلامی با کشورهای این منطقه و همچنین سازنده و گسترش‌دهنده قلمرو ایدئولوژیک و فرهنگی برآمده از آرمان‌های انقلاب اسلامی باشند.

از سوی دیگر فشارهای وارده بر شیعیان و در تنگنا قرار گرفتنشان سبب گرایش این اقلیت به سوی آرمان‌های انقلاب اسلامی به‌عنوان الگویی استکبارستیز و مستضعف‌نواز است؛ بنابراین پژوهش حاضر در پی بررسی نقش شیعیان شبه‌قاره هند (هندوستان، پاکستان) در عمق‌بخشی راهبردی و قلمروسازی انقلاب اسلامی ایران است؟

تعاریف

قلمرو

قلمرو در تعاریف عامیانه مشخص کننده حدود مالکیت و حاکمیت در یک واحد زیستی مبتنی بر یک محدوده جغرافیایی به صورت زمین و منابع مادی است (۲۰۰۹: ۳، STORY). قلمرو، قسمتی از محدوده زمین است که گروه‌هایی عموماً به صورت ساختارهایی سیاسی، ادعای مالکیت و حاکمیت آن را دارند. براین اساس، قلمروها گویای اعمال قدرت بر فضا هستند که در نهایی‌ترین شکل در قالب کشور-ملت‌ها ظهور یافته‌اند (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۹۳: ۱۹۰). قلمرو پدیده عینی و فضایی حاصل حق طبیعی مالکیت و اصل میل به بقاست که به کنش‌های قلمروخواهانه انسانی جهت و معنا داده، به صورتی که تفسیر رفتار و منش انسان وابستگی مستقیمی به ویژگی قلمرومندی او دارد. گستره قلمرو لزوماً تابع مرزهای سیاسی نیست؛ بلکه با توجه به دامنه آگاهی، کنشگری، تصمیم‌سازی و نقش آفرینی انسان و گروه‌های انسانی متغیر است (کریمی‌پور، ربیعی و ابوالخانی، ۱۳۹۶: ۱۷).

قلمروخواهی و قلمروگستری

قلمروخواهی یا تعریف حدود جغرافیایی حوزه نفوذ و قدرت یکی از متداول‌ترین راهبردهای اعمال حاکمیت است (COX، ۴: 2002). قلمروخواهی مقدمه‌ای برای ساخت قلمرو و قلمروگستری است، پس نیازمند روش‌ها و ابزارهای متنوعی است که در طی زمان تکامل یافته‌اند (کریمی‌پور، ربیعی و ابوالخانی، ۱۳۹۶: ۱۷). نفوذ و کنترل اذهان عمومی و کنشگران سیاسی سرزمین نمونه‌هایی از این ابزارهاست. قلمروگستری همواره برای نیل به یک هدف مشخص همانند ادامه بقا، سلطه سیاسی یا بیگانه‌ستیزی کاربرد می‌یابد (مویر، ۱۳۷۹: ۱۷).

قلمروسازی

کوشش انسانی خواه به گونه انفرادی یا جمعی را برای نظارت انحصاری بر گستره مشخصی از فضای جغرافیایی را قلمروسازی (قلمروآرایی) تعریف کرده‌اند (کاویانی، ۱۳۹۲: ۴۴). در این تعریف از قلمروسازی، عناصر سه‌گانه سرزمین یا مکان جغرافیایی، مرز برای تشخیص محدوده مکانی-فضایی و حاکمیت و مالکیت توسط انسان سه جزء اصلی به شمار می‌روند (Jones et al, 2004: 175). ادوارد

سوجا نیز قلمروسازی را پدیده‌ای رفتاری می‌داند که پیوستگی بسیار نزدیکی با سازماندهی فضا به صورت مناطق نفوذ دارد (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۹۳: ۱۹۴). به نظر رونالد جانستون قلمروسازی راهبردی است که با استفاده از آن، افراد و گروه‌های انسانی به اعمال نظارت انحصاری بر بخش مشخص و محدوده معینی از فضا می‌پردازند (رجیبیان و خندان، ۱۳۹۸: ۶).

قلمرو ژئوپلیتیک

قلمرو ژئوپلیتیک که گاه از آن به‌عنوان حوزه نفوذ نیز یاد می‌شود، گستره جغرافیایی است که تسلط و نفوذ قدرت یک کشور در آن به نسبت رقابیش برتر. بالاتر است، (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵: ۹۴). در عصر کنونی رقابت کشورها و قدرت‌ها می‌توان مشاهده کرد که آنها، معمولاً تلاش می‌کنند بدون اینکه خاک کشور دیگری را تصرف کنند، از فرصت‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... در آن کشور بهره‌برداری نموده، نفوذ و استیلای خویش را در آن اعمال نمایند. می‌توان گفت قلمرو ژئوپلیتیک، بخش‌هایی از یک فضای جغرافیایی و انسانی را شامل می‌شود که تحت تأثیر یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژیک و رسانه‌ای کشور یا بازیگر قدرتمند قرار می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۴). قلمرو ژئوپلیتیک و میدان اثرگذاری و نقش‌آفرینی یک واحد سیاسی، محصول توان و قدرت ملی آن است؛ به‌این ترتیب یک واحد سیاسی نمی‌تواند به یک نسبت سایر کشورها و جوامع را تحت تأثیر قدرت خود قرار دهد. حوزه اطلاق قدرت به نسبت قابلیت‌ها و توانایی‌های یک کشور در نوسان است (قوام، ۱۳۸۰: ۸۸). آنچه مشخص است این است که؛ ایجاد و گسترش قلمروهای ژئوپلیتیک برای کشورها امری ضروری است؛ زیرا دستیابی به برخی از اهداف و منافع ملی کشورها از طریق پیگیری همین سیاست محقق می‌شود؛ از همین روست که در نظام جهانی، کشورها برای پیشبرد اهداف داخلی و خارجی خود (شامل هدف‌های مادی و غیرمادی) تلاش می‌کنند کشورها و جوامع دیگر را به نحوی تحت تأثیر قرار دهند؛ زیرا عمل تأثیرگذاری بر رفتار دیگران یکی از مسائل اصلی در مناسبات بین‌المللی است (روشندل، ۱۳۷۴: ۹۳). سرزمین، تاریخ، زبان و فرهنگ و دین و مذهب از جمله ابزارهایی هستند که در قلمروسازی مورد بهره‌برداری کشورها قرار می‌گیرند (کریمی‌پور، ربیعی و ابوالخانی، ۱۳۹۶: ۱۹).

عمق راهبردی

عمق راهبردی، به مجموعه وسایل و ابزارهای سیاسی، جغرافیایی، انسانی، اعتقادی، نیروهای بالقوه و بالفعل دفاعی یک ملت و یک کشور برای دفاع از خود در مقابل توطئه‌ها و دسیسه‌های کشورهای متخاصم گفته می‌شود و در کلیت مفهومی، عمق راهبردی عبارت است از هرگونه وسیله‌ای که نقطه قوت برای کشوری و نقطه تهدید برای کشور رقیب محسوب شود و قادر باشد نقش بازدارندگی را برای کشور دارنده آن بازی کند (یحیی صفوی، ۱۳۹۲: ۱۲).

عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی

نوظهور بودن اصطلاح عمق بخشی در ادبیات سیاسی و علوم راهبردی سبب شده است تا در متون خروجی هیچ سابقه‌ای از این کلمه یافت نشود (افتخاری و فیروز کوهی، ۱۳۹۷: ۸). از نگاه دکتر یحیی رحیم صفوی عمق بخشی انقلاب اسلامی، تقویت، توسعه، افزایش اقتدار، تأثیر گذاری، نفوذ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و... در میان دولت‌ها و ملت‌های گوناگون است که با ویژگی‌های دفاع از مسلمانان و مستضعفان غیر متعارض با اسلام، بازدارندگی مؤثر و توانا در تغییر راهبردها و سیاست‌های دشمن، توان وادار نمودن دشمن به انصراف از حمله و یا تهدید جمهوری اسلامی ایران، قادر بودن به واکنش سریع در خارج از کشور با قابلیت بی‌اثر یا کم‌اثر نمودن و دور کردن تهدیدات خارجی به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی قابل اندازه‌گیری و شناسایی است (صفوی، ۱۳۸۸: ۳). افتخاری، ابراهیم‌آبادی و فیروز کوهی عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی را، گسترش قلمرو نرم انقلاب اسلامی از طریق الگو شدن آن در فزاتر از مرزهای پیرامونی‌اش که از طرفی با جلب حمایت توده‌های مردم در سرزمین هدف و از سوی دیگر با ایجاد و توسعه نفوذ نرم انقلاب اسلامی در آن سرزمین، منجر به خلق مصونیت برای منافع (ملی و فراملی) سرزمین مادر، در برابر تهدیدات نرم یا سخت حریف می‌شود (افتخاری، ابراهیم‌آبادی و فیروز کوهی، ۱۳۹۷: ۶۹). افتخاری و فیروز کوهی، تعریف عملیاتی عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی را به معنای بازتولید مستمر و سازماندهی شده گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس و نامتجانس از طریق نشر و گسترش حقایق آن، در سطوح بازتابش انقلاب اسلامی و وسع

افزایی شعاع اثر آن می‌دانند که دو هدف کسب منافع امنیت ملی و دفع تهدیدات انقلاب اسلامی در سرزمین هدف را از طریق الگوپروری برآورده می‌کند (افتخاری و فیروز کوهی، ۱۳۹۷: ۹).

مبانی نظری

سیاست خارجی، کنش هدف‌مند در راستای توسعه منافع است (Hill, 2003: 285). بررسی و پژوهش در سیاست خارجی کوشش برای ادراک و دریافت رفتار کشورها در برابر کشورهای دیگر و محیط بین‌المللی است (خسروی و میرمحمدی، ۱۳۹۶: ۲۱). با نگاهی جغرافیایی، سیاست خارجی به‌عنوان سیاست‌ها، اهداف و منافع کشور و تعاملات آن با محیط بیرون از مرزهای ملی تعریف می‌شود (Breuning, 2007: 5). محققان سیاست خارجی اغلب از آن چنین تعریفی ارائه می‌دهند: مجموعه‌ای از اهداف، دستورالعمل‌ها یا نیات که توسط مقامات رسمی یا نهادهای حاکمیتی در رابطه با کنش گران یا شرایط محیطی خارج از حاکمیت دولت - ملت طراحی شده و هدف آن تأثیرگذاری بر هدف به شیوه موردنظر سیاست‌گذاران است (Cohen & Harris: 21: 1975). اساساً هر دولتی داده‌های سیاست خارجی خود را در جهت تنظیم می‌کند که سرانجام خواسته‌ها و نیازهای امنیتی، راهبردی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش در کوتاه یا بلندمدت تأمین شود (قوام، ۱۳۹۰: ۱۰۲) و در این راستا نیز از ابزارهای مختلفی مدد می‌جوید (طاهری، ۱۴۰۰: ۲۲). جایگاه ایران به‌عنوان کشوری با ملاحظات ملی (صرفاً مربوط به سرزمین ایران) و فراملی (عمدتاً مربوط به سرزمین اسلامی) در نظم ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی به‌گونه‌ای است که اتخاذ رویکردهای مختلفی را در عملیاتی کردن سیاست خارجی ایران اجتناب‌ناپذیر می‌سازد؛ به‌عبارت‌دیگر ایران یکی از کشورهای مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای است که مناسبات گسترده‌ای با دنیای پیرامونی به لحاظ قرابت، علایق و مشترکات فرهنگی، تاریخی و دینی دارد و می‌تواند با استفاده از سه رویکرد ژئوپلیتیک (جغرافیا و سیاست)، ژئواکونومیک (اقتصاد و انرژی)، ژئوکالچریک (تاریخی تمدنی و ایدئولوژیک)، سیاست‌ها و دکترین خود را در پرتو نظریه اسلامی - ایرانی و به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی نهادینه کند (بزرگ‌زاده، رضایت و حاجی‌زاده، ۱۳۹۶: ۸۰).

در دوران کنونی، نظام بین‌المللی در مرحله نوین خود به سر می‌برد و شتاب تحولات جهانی به گونه‌ای است که این دوران را به دوران گذار برای ورود به نظم جدید در روابط قدرت‌ها تبدیل کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۳۴). در گذشته گذر از تمرکز بر قدرت نظامی سنتی به دیگر ابعاد نوظهور قدرت، اصالت یافتن ویژگی‌های فرهنگی، معنایی، هنجاری، گفتمانی و نامتقارن و گسترش معانی غیرنظامی قدرت مانند قدرت اقتصادی، فناورانه و بازیگری از نمادهای این تحول و گذار بوده است (ظریف، ۱۳۹۲). دوران گذار و انتقال به نظم نوین در نظام بین‌المللی، دوران شکل‌گیری بازی‌های بزرگ قدرت اعم از رقابت، همکاری و... است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۳) که در این مسیر، برای تحقق اهداف و تأمین منافع در سیاست خارجی، بازیگران از ابزارها و تکنیک‌های گوناگونی نظیر دیپلماسی، ابزارهای اقتصادی، مالی، تجاری و تکنولوژیک، فرهنگی و تبلیغاتی، نظامی بهره می‌گیرند (قوام، ۱۳۹۶: ۲۰۶). از این رو دوران گذار به دلیل پیچیدگی و ابهام ذاتی از حساس‌ترین، مخاطره‌آمیزترین و سرنوشت‌سازترین مقاطع تاریخ به شمار می‌آید (جونقانی، طاقتی و عفرای، ۱۳۹۶: ۱۰۷). در محیط بین‌المللی پویا، در مقابل جوامع و کشورهای که در داخل روند تحولی قرار گرفته‌اند، سه آلترناتیو مختلف مبتنی بر سه روان‌شناسی متفاوت وجود دارد: اولی، با حمایت از دیدگاهی راکد که پویایی خود را محدود می‌کند، منتظر رد شدن ساختار پویای بین‌المللی مانده و کلیه نیازهای تعریفی خود را تا زمان دستیابی نظام بین‌الملل به ثبات به تأخیر می‌اندازد. دسته دوم کشورها، بدون اینکه عناصر قدرت واقع در کانون، پویایی خود را مفهوم‌سازی کرده باشند، خود را در جریان بین‌المللی رها می‌سازند. این محصول دیدگاهی است که در تعریف خود به عنوان یک فاعل مستقل در تاریخ مشکل داشته، تاریخ را رودخانه‌ای جاری، مراکز قدرت بین‌المللی را نیز به عنوان عناصر تأثیرگذار در جهت‌دهی این رودخانه می‌بیند که ناچار است مثل یک شیء با این جریان همراه شود و حالت انفعال داشته باشد. گروه سوم کشورها تلاش می‌نمایند تا ظرفیت پویایی خود را در قالب مولفه‌های محرکه بین‌المللی به عامل قدرت تبدیل کنند، این ترجیح هم محصول دیدگاهی است که هم منابع پویایی هر دو و هم سازوکارها را شناخته و هم نحوه این جریان را ترسیم کرده و توانایی توضیح، درک و مفهوم‌سازی را دارد (داود اخلو، ۱۳۹۱: ۲۵). در این راستا، درک ظرفیت‌های موجود برای افزایش نفوذ منطقه‌ای جمهوری

اسلامی ایران و گسترش عمق‌بخشی خارجی آن در نظام پویای بین‌المللی به‌منظور پیشینه‌سازی منافع ملی و دفع تهدیدات امنیت ملی ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید (افتخاری و فیروزکوهی، ۱۳۹۷: ۱۲). عمق‌بخشی راهبردی انقلاب اسلامی و قلمروسازی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آن، همواره دو جنبه نظری و عملی در بین ملت‌ها و گروه‌های منطقه‌ای خواهان تغییر معادلات قدرت داشته است؛ بدین معنا که در عمق‌بخشی انقلاب اسلامی از بعد نظری و گفتمانی هدف ترویج اصول، ارزش‌ها و شاخصه‌های گفتمان انقلاب اسلامی در مناطق مختلف است و در بعد عملیاتی عمق‌بخشی دفاعی جمهوری اسلامی ایران شاهد شکل‌گیری و رشد جریان‌ها و گروه‌های مقاومت در مناطق مختلف جهان هستیم؛ بنابراین می‌توان از مصداق‌های تأثیرپذیری شیعیان و به‌صورت کلی ملل و گروه‌های مختلف از انقلاب اسلامی و نقش آن را، در نفوذ به گسترش گفتمان مقاومت و ارائه الگوی مقاومت دانست (جونقانی، طاقتی و عفرای، ۱۳۹۶: ۱۱۵). محور مقاومت را می‌توان از دو دیدگاه تعریف کرد: در دید نخست، محور مقاومت، اتحاد ژئوپلیتیک منطقه‌ای و شامل مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی است که دارای منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۲۳). با توجه به این نگاه در برابر این اتحاد محور مقاومت، اتفاقی از نظام‌های کهن اقتدارگرا، استکباری و پادشاهی، استعماری قرار می‌گیرند که منافع آنها در تقابل با محور مقاومت تعریف می‌شود (جونقانی، طاقتی و عفرای، ۱۳۹۶: ۱۱۰). در هر گفتمان قسمتی نفی یا سلبی وجود دارد و قسمت دیگری اثباتی و ایجابی است (فرکلانف، ۱۳۹۷: ۸۵). در هسته سلبی گفتمان مقاومت، سلطه‌ستیزی قرار دارد؛ یعنی مهم‌ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه‌ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبدادستیزی است؛ اما مهم‌ترین اشکال اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در محور و کانون این گفتمان قرار دارد، عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی همراه با واقع‌بینی است (وبگاه طنین، ۱۳۹۵).

به‌منظور تبیین نقش و جایگاه شیعیان در عمق‌بخشی راهبردی و قلمروسازی انقلاب اسلامی و

ج. ا. ایران و فهم و درک ظرفیت‌ها، بسترها و زمینه‌های مشترک و مساعدی که در میان شیعیان

شبه‌قاره هند وجود دارد، شاخص‌های گسترش، نفوذ و عمق‌بخشی منطقه‌ای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران به شکل ذیل خواهد بود:



شکل ۱. شاخص‌های نفوذ منطقه‌ای انقلاب اسلامی مبتنی بر قلمروسازی و عمق‌بخشی راهبردی (منبع یافته‌های پژوهش: ۱۴۰۲)

پیشینه پژوهش

از جمله مطالعات مشابه صورت گرفته در حوزه قلمرو گسترده و عمق‌بخشی راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به مطالعات صورت گرفته توسط متقی و همکاران در سال ۱۳۹۸ که به روش توصیفی به قلمروسازی زبانی در کشورهای فارسی‌زبان پرداخته و به این نتیجه رسیده که ج.ا.ایران برای قلمروسازی زبانی در کشورهای افغانستان و تاجیکستان، با مسائلی همچون رقابت‌های پیچیده ژئوپلیتیکی دیگر بازیگران و چالش زبان فارسی و پشتون در افغانستان و جدایی‌گزینی

فارسی‌زبانان تاجیکستان روبه‌رو است؛ با این وجود برتری و پیشینه عمیق و نفوذ فرهنگی زبان فارسی در مناطق پیرامونی ایران و اینکه به‌مثابه بستری برای بسط و گسترش اندیشه دینی در این منطقه بوده است، فرصت‌هایی فراروی ج.ا. ایران قرار داده که بهره‌گیری از آنها با تأکید بر اشتراکات فرهنگی، زبانی، تاریخی و دینی می‌تواند موجب همکاری و همگرایی بیشتر قلمروهای فارسی‌زبان شود. ذکی و همکاران نیز در سال ۱۳۹۸ در پژوهش خود که به روش توصیفی انجام شده به اخوان‌المسلمین و قلمروسازی آن در جغرافیای سیاسی جهان اسلام پرداخته و آن را ناشی از باورهای ایدئولوژیک این جنبش اسلامی برای بیداری امت اسلامی و دفاع از عظمت اسلام و مسلمانان دانسته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که فروپاشی خلافت عثمانی، سلطه استعمارگران بر کشورهای اسلامی، ظلم و ستم آنان در حق مسلمانان، تأسیس رژیم صهیونیستی و استبداد سیاسی در کشورهای اسلامی از عواملی است که به‌شدت اخوان‌المسلمین را متأثر و آنان را نسبت به اوضاع آشفته جهان اسلام به واکنش واداشته است. جهانگیر سوری، ۱۳۹۵ در پایان‌نامه خود به بررسی نقش احزاب و گروه‌های سیاسی تونس در عمق‌بخشی سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و در نتایج پژوهش خود نشان می‌دهد که عمده فرصت‌های عمق‌بخشی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور بر اثر عملکرد احزاب گوناگون آن در موضوع مخالفت با رژیم صهیونیستی و حمایت از جبهه مقاومت است. قلی‌زاده و کفاش جمشید، ۱۳۹۲، در پژوهش خود به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان پرداخته و در نتایج پژوهش خود اشاره می‌دارد که جمهوری اسلامی ایران از فرصت‌های زیادی برای عمق‌بخشی در آذربایجان برخوردار است، ولی در عمل نتوانسته در این زمینه موفق شود که در معرفی علل آن به نوع حاکمیت سیاسی آذربایجان، برداشت‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی و حضور روزافزون بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این کشور اشاره می‌کند. همچنین هادی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹، در پژوهش خود به بررسی فرصت‌های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا پرداخته و دریافته‌های پژوهش خود به شاخص‌های طبیعی و انسانی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی، دینی و علمی به‌عنوان شاخص‌های فرصت‌آفرین برای جمهوری اسلامی ایران در این منطقه اشاره می‌کند.

بنابر نتایج این پژوهش ها، بهره گیری از اشتراکات به عنوان فرصت های پیش رو برای ج.ا.ایران محسوب می شود و لطف های عمق بخشی را فراهم مینماید و می تواند زمینه ها و بسترهای گسترش همکاری و همگرایی و افزایش اثرگذاری را در میان کشورهای این منطقه جغرافیایی فراهم کند. در پژوهش حاضر تلاش شده تمامی ظرفیت ها، بسترها و زمینه های مشترکی که توسط شیعیان شبه قاره هند به عنوان فرصت های پیش روی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق بخشی راهبردی و قلمروسازی ایدئولوژیکی می تواند مورد بهره برداری قرار گیرد بررسی شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به منابع کتابخانه ای و اسنادی اعم از منابع داخلی و خارجی، نشریات و مقالات و سایت های اینترنتی انجام شده است.

یافته های پژوهش

قلمروسازی و عمق بخشی راهبردی انقلاب اسلامی در شبه قاره هند (هند و پاکستان):

امروزه یک میلیارد و هفتصد میلیون نفر از جمعیت تقریباً هفت میلیاردی جهان را مسلمانان تشکیل می دهند. اکثریت این جمعیت یعنی ۸۰ تا ۸۵ درصد اهل سنت و ۱۵ درصد باقیمانده را جمعیت شیعه تشکیل می دهند. شیعیان اساساً به سه زیر گروه دوازده امامی/اثنا اشعری، زیدیه و اسماعیلیه تقسیم می شوند. با این حال، تشیع اثنی عشری اکثریت جمعیت عمومی شیعه را تشکیل می دهد کشورهای که اکثریت مسلمانان شیعه را دارند عبارتند از ایران، عراق، بحرین و آذربایجان. با این حال، جمعیت قابل توجهی از شیعیان در کشورهایمانند لبنان، یمن، سوریه، عربستان سعودی، کویت، امارات، قطر، عمان، افغانستان، پاکستان و هند و جمعیت کمتری در برخی کشورهای دیگر موجود در شبه قاره هند نیز ذکر شده است.

شیعیان در شبه قاره هند به عنوان یک اقلیت مذهبی زندگی می کنند. اما عرصه زندگی آنان در تمام این منطقه گسترده است (هادی پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۶). تقریباً هیچ شهری در این شبه قاره

نیست که عده‌ای از شیعیان در آن زندگی نکنند. در عین حال شهرهایی نیز وجود دارد که مختص شیعیان بوده و یا اکثریت اهالی آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، آمار دقیق از تعداد این شیعیان وجود ندارد. با این حال طبق تخمین‌های مراکز مختلف، شیعیان در این شبه‌قاره به صورت گسترده‌تر در هند و پاکستان (مورد توجه در پژوهش حاضر) با تقریباً ۱۰ درصد جمعیت مسلمان این کشورها و در بنگلادش، بوتان، نپال، سری‌لانکا، برمه و مالدیو با یک درصد جمعیت مسلمان معرفی می‌شوند (جاستین جونز، ۲۰۲۱).

پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ایران به منظور گسترش حوزه نفوذ خود، به استفاده از عناصر قدرت نرم (تشیع به عنوان هویت فرقه‌ای، ادبیات، هنر، زبان فارسی و...) چارچوب استراتژی خاص برگرفته از مبانی فکری انقلاب در کشورهای خاورمیانه، آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و کشورهای بالکان پرداخت؛ بنابراین شناخت موقعیت شیعیان در سراسر جهان پیش‌نیازی است جهت ایجاد تعاملات دوجانبه در راستای اهداف و منافع اسلامی، شیعی و ملی کشورمان (قیه، ۱۳۸۹: ۳۰). وجود جمعیت شیعیان در کشورهای هند و پاکستان نیز فراهم‌کننده بستری برای ایران در راستای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت سیاست خارجی خود خواهد بود که در حال حاضر نیز مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است. در یک نگاه تاریخی ایران همواره برای این دو کشور مرکزی الهام‌بخش از فرهنگ و تمدن بوده که جلوه‌ها و خصوصیات ویژه‌ای نظیر اسلام، زبان فارسی، معماری و یا هنر را به این کشورها صادر کرده است (ابوالخانی، ۱۳۹۵: ۸۵).

ظرفیت‌ها و بسترهای متجانس قلمروسازی و عمق بخشی انقلاب اسلامی در هند:

پیشینه روابط ایران و شیعیان کشور هند

در میان مردمان و نژادهای بسیاری که با زندگی و فرهنگ مردم هند تماس پیدا کرده‌اند و در آن نفوذ داشته‌اند، قدیمی‌ترین و مداوم‌ترین آن‌ها ایرانی‌ها هستند. می‌توان اظهار داشت روابط ایران و هند به پیش از تمدن هندوآریایی بازمی‌گردد. سرچشمه این مناسبت‌های مشترک و همسانی‌های باورداشتی میان ایرانیان و هندوان را باید در اوستا و دو کتاب مقدس ودا و ریگ ودا جستجو کرد. آیین زرتشت، یکی از باورهای پیش از اسلام در ایران، در قرن هشتم میلادی در هند رواج یافت و تقریباً ۱۰۰ هزار زرتشتی از ۲۵۰ هزار زرتشتی ساکن امروز در این جغرافیا زندگی می‌کنند. خانواده تاتا، یکی از معتبرترین صنعتگران هند، ایرانی‌الصل و زرتشتی هستند. در اعصار

کهن طوایف هند و ایران قومی واحدی بودند، اساطیر هندوایرانی، بازتابی از ساخت‌های اجتماعی و بنیان‌های مشترک فرهنگ دو قوم خویشاوند یعنی ایران و هند است (نصرالله امامی و نصیری شیرازی، ۱۳۸۸: ۷۳). پیشینه فرهنگی مشترک ایران و هند خصوصاً مسئله زبان (زبان سانسکریت و اوستا از یک منشأ اصلی سرچشمه گرفته‌اند) همیشه بستر روابط میان دو کشور را تدارک دیده است. در واقع روابط ایران و هند قبل از اسلام بر اساس نژاد، زبان و آداب و رسوم بوده است. هند و ایران ارتباطات مشترک تاریخی - فرهنگی و تمدنی عمیقی دارند.

اما از نظر ظرفیت تشیع باید ذکر کرد جمعیت بزرگی از شیعیان در حال حاضر در هند زندگی می‌کنند. برخی از این جمعیت بومی و برخی مهاجر هستند. ریشه‌های تاریخی گسترش تشیع در هندوستان را مهاجرت بسیاری از ایرانیان به این سرزمین در سال‌های پس از حمله مغولان به ایران می‌دانند. بر اساس آمار رسمی، ۲۰۰ میلیون مسلمان در هند زندگی می‌کنند و بر اساس آمار غیررسمی، ۲۳۰ میلیون مسلمان در هند زندگی می‌کنند. جمعیت شیعه بخش قابل توجهی از این رقم را تشکیل می‌دهد. بر اساس آمارهای غیررسمی، ۵۰ تا ۵۵ میلیون شیعه در هند زندگی می‌کنند. تقریباً همه این جمعیت از طرف‌داران اثناعشری / جعفری هستند. اگر صحت این رقم را بپذیریم، هند پس از ایران کشوری است که بیشترین جمعیت شیعه را در جهان داراست. شیعیان هند در شهرهایی مانند دهلی نو، کلکته، چنای، بمبئی، حیدرآباد زندگی می‌کنند.

برخی از حکومت‌های شیعه تشکیل یافته در هند به شرح ذیل است: در جنوب هند، حکومت بهمنیان (۷۴۸-۹۳۲ق)، عادل شاهیان (۹۰۴ق)، قطب شاهیان (۹۰۱-۱۰۹۸ق) که دوره بالندگی شیعیان بود، نظام شاهیان (۸۹۵-۱۰۴۶ق). حکومت‌های شیعه در شمال هند: حکومت اوده (۱۱۴۵-۱۲۶۴ق) می‌باشد. همچنین گروه‌بندی‌های فرقه‌ای و مذهبی متعددی میان شیعیان در هند وجود دارد از جمله شیعیان اثنی عشری، شیعیان اسماعیلیه، شیعیان بهره، خوجه‌ها، فرقه میمن، فرقه جعفری، شیعه پنج تن، علی الهی می‌باشند. با توجه به نزدیکی بیشتر شیعیان خوجه به ایران این گروه بصورت مجزا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

علاقه‌مندی به اهل بیت با تمرکز بر آیین‌ها و مراسم‌های مذهبی

آیین‌ها و مراسمات مذهبی همواره یکی از ارزشمندترین نمادهای دینی در میان جوامع باورمند محسوب می‌شود که برگزاری این آیین‌ها نشانه معتقد بودن و باورمندی پیروان آن و سطح دین‌مداری در جامعه محسوب می‌شود. این آیین‌ها و مراسم نمونه بارزی از تعالیم مذهبی و اجتماعی دین است که در تشخیص و هویت بخشی اجتماعی تأثیر بسیار دارد (محمدی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۳۰). شیعیان هندی به مراسمات مذهبی و خصوصاً برگزاری مراسم عزاداری بسیار پایبند هستند به صورتی که شیعیان با برگزاری این مراسمات هویت اجتماعی متمایزی از خود ظاهر کرده و مورد شناسایی از سایرین قرار می‌گیرند. سید دلدار علی نقوی در قسمت‌های شمالی هند نظام فکری‌ای ایجاد کرد که با پیشرفت در سنت مرثیه همراه بود؛ این سنت (مرثیه) به عنوان ابزاری برای استحکام بخشیدن به ارزش‌های شیعی در فرهنگ عامه شناخته می‌شود (Kamran, 2014: 477). سید علی نقوی، که جانشین دلدار علی بود، تحت سلطه استعمار در نیمه نخست قرن بیستم در میان شیعیان هندی تفسیر جدیدی از امام حسین (ع) شکل داد (Jones, 2014: 415). شیعیان ساکن در هند به راحتی عبادات و مناسک مذهبی خود را انجام می‌دهند و حتی مراسم بزرگداشت کربلا را ترتیب می‌دهند. این اجراهای مراسمات دینی که در میان شیعیان اهمیت بسیاری دارند در سالهای اخیر بصورت جدی توسط پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است (طالب، ۱۳۹۳: ۲۳۱).

جایگاه اجتماعی نهاد روحانیت و مرجعیت

از اواخر قرن نوزدهم با از بین رفتن قدرت سیاسی، علما رهبری را به دست گرفتند؛ لذا علما که دیگر حمایت دولت را مشاهده نمی‌کردند اقدام به تأسیس مدارس و حوزه‌های علمیه نمودند. حوزه‌های علمیه فقط نقش علمی و آموزشی نداشته؛ بلکه از ابعاد اجتماعی و فرهنگی برخوردار است و سبب هویت بخشی اجتماعی نیز می‌شود. این مراکز با تربیت طلاب فرهیخته عامل فرهنگ‌ساز جامعه هستند و این افراد تربیت شده که نخبگان جامعه هستند، جامعه را در مقابل حوادث و رویدادهای دینی یاری می‌کنند. حوزه‌های علمیه هند سابقه دیرینه‌ای داشته و توانسته‌اند مجتهدین بزرگی را تربیت کرده و گنجینه‌ای از کتاب‌ها در کتابخانه‌های خود ایجاد کنند. با انقلاب اسلامی و مشارکت ایران بعد از انقلاب به تعداد مدارس علمیه هند بسیار افزوده

شد که خود زمینه‌ساز مناسبی جهت اعتلای جامعه شیعه هند و انسجام‌بخشی اجتماعی محسوب می‌شود و تأثیر زیادی در عمق‌بخشی راهبردی انقلاب اسلامی خواهد داشت. همچنین آموزش طلاب هندی در قم نیز از دیگر موارد عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در هند است.

آرمان فلسطین

در سال‌های ۱۹۲۴-۱۹۱۹، در شبه‌قاره هند، نهضت اسلامی بزرگی با عنوان نهضت خلافت شکل گرفت که از بقا و موجودیت خلافت عثمانی در مقابل تعرضات دولت انگلیس دفاع می‌کرد و هم‌زمان با توطئه صهیونیستی تصرف بیت‌المقدس توسط انگلستان و آژانس یهود نیز ستیزی سازش‌ناپذیر داشت (محمدی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۳۱). سندپ چولا، استاد تاریخ در دانشگاه هیل شمال شرقی شیلونگ، در مقاله؛ مسئله فلسطین و سیاست هندوستان در سال‌های ۱۹۲۰، معتقد است پس از سقوط خلافت عثمانی، اصولاً موضوع محوری نهضت خلافت در هند که بقای خلافت عثمانی بود تبدیل به مسئله فلسطین و محکوم ساختن دسیسه صهیونیسم شد (مشیر، ۱۳۹۷: ۳۷). از دوران شکل‌گیری نهضت خلافت تاکنون، در میان مسلمانان هندی، کمابیش احساسات ضدصهیونیستی موجودیت خود را حفظ کرده است (محمدی و مهدوی، ۱۳۹۱: ۳۱)؛ بنابراین زمانی که موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل در اوت ۱۹۷۷ از موراجی دسای، نخست‌وزیر وقت هند، درخواست برقراری روابط کامل بین دو کشور هند و اسرائیل را داشت، نخست‌وزیر هند به احساسات ضدصهیونیستی مسلمانان هند اشاره نموده و اظهار داشت: هشتاد میلیون مسلمانی که در هندوستان زندگی می‌کنند، مانعی در راه تحقق رؤیاهای ما و شما هستند (المجتمع: ۲۰۱۷: ۲۱)؛ بنابراین آرمان آزادی فلسطین از جمله بسترها، زمینه‌ها و اهداف مشترک فکری و ارزشی در میان مسلمانان و شیعیان هند و ایران است که ظرفیت مناسبی را برای عمق‌بخشی خارجی و راهبردی انقلاب اسلامی ایران برای ج.ا. ایران فراهم می‌نماید.

شیعیان خوجه هند

گروه‌بندی‌های فرقه‌ای و مذهبی متعددی میان شیعیان در هند وجود دارد از جمله شیعیان اثنی‌عشری، شیعیان اسماعیلیه، شیعیان بهره، خوجه‌ها، فرقه میمن، فرقه جعفری، شیعه پنج‌تن، علی‌الهی، خوجه‌ها مسلمانان شیعه اثنی‌عشری هستند که خاستگاه آنان مناطق سند و ایالت گجرات

هندوستان است، کلمه خوجه از واژه خواجه در زبان فارسی به معنای فرد محترم و متخصص گرفته شده است (روغنی، ۱۳۸۷: ۱۷). با مهاجرت آقاخان اول در نیمه اول قرن نوزدهم از ایران به هند، فرقه اسماعیلیه نزاری رونق یافت؛ اما به تدریج میان نزاری‌ها اختلافاتی پیش آمد که باعث شد گروهی از خوجه‌ها به مذهب اثنی‌عشری و امامی وارد شوند. شیعیان خوجه اثنی‌عشری اقلیت کوچک و در عین حال منسجمی هستند که با وجود جمعیت اندک در پنج قاره جهان حضور دارند و در هر کشوری دارای جماعات مستقلی هستند که دارای جایگاه مناسبی در جوامع میزبان از نظر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هستند (عرب احمدی، ۱۳۹۴: ۲۱). در حال حاضر مرکز عمده اسکان شیعیان خوجه، کشور هند است که نهادی بین‌المللی با عنوان فدراسیون جهانی شیعیان خوجه دارند که ریشه در سابقه تاریخی، تشکیلات سازی در آیین اسماعیلی داشته و به فعالیت‌های خدماتی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی می‌پردازند (احمدی، ۱۳۹۱: ۵). برخی از این تشکل‌ها عبارت‌اند از: گروه هلال طلایی، مؤسسه فائز حسینی، باشگاه جعفری، مؤسسه خیریه خدمات شیعه، انجمن اثناعشری، جامعه زینبیه (www.world-federation.org). دیدگاه خوجه‌ها به جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی ایران از اشتراکات دینی و مذهبی آنان با مردم ایران فراتر است، با توجه به اینکه ایران تنها کشوری است که اکثریت جمعیت آن را پیروان مذهب اهل بیت تشکیل می‌دهند، احساس قربت خاصی با ایرانیان داشته‌اند، به عنوان کانون تمرکز شیعیان علاقه‌مند به ایران و انقلاب آن بوده و ایران را همانند وطن دوم خود می‌دانند (احمدی، ۱۳۹۱: ۵). خوجه‌ها به دلیل ویژگی محافظه‌کارانه ذاتی‌شان آشکارا از جمهوری اسلامی ایران حمایت نمی‌کنند؛ ولی جایگاه ایران و انقلاب اسلامی ایران را به عنوان کشوری که بیش از چهار دهه در برابر استکبار جهانی ایستادگی کرده است، الگویی قابل احترام است (<https://hawzah.net>). جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با برقراری و تقویت بیش‌از‌پیش روابط با این اقلیت مذهبی شیعی از توان تشکیلاتی و مادی ایشان در راستای گسترش اندیشه انقلاب اسلامی و عمق‌بخشی خارجی‌اش بهره‌برداری نماید. کما اینکه مسلمانان و خصوصاً شیعیان، ارزش‌ها، عقاید و باورهای مشترکی نیز دارند که زمینه‌های نزدیکی‌شان به انقلاب اسلامی را راحت‌تر از سایرین می‌نماید.

ظرفیت‌ها و بسترهای متجانس قلمروسازی و عمق بخشی انقلاب اسلامی در پاکستان

پاکستان تقریباً ۲۲۰ میلیون نفر جمعیت دارد که ۱۸ تا ۲۰ درصد آنها شیعه منشأ هستند. جمعیت شیعه در سراسر پاکستان پراکنده هستند. اکثریت گروه‌های شیعه را اقوام پاکستان تشکیل می‌دهند و شیعیان ایرانی و عرب نیز در این کشور زندگی می‌کنند. اکثریت قریب به اتفاق شیعیان پاکستان به مذهب اثنا عشری - امامیه تعلق دارند. با این حال، گروه اسماعیلیان و زیدی‌ها از گروه‌های شیعه بانفوذ در پاکستان هستند. پاکستان کشور مهمی برای کشور ایران است این یک میدان مهم برای فعالیت‌های شیعی ایران است؛ بنابراین ایران باید سیاستی را در پیش گیرد که شیعیان پاکستان را تحت سلطه خود نگه دارد. شهر کوئته مرکز ایلات بلوچستان از مراکز مهم شیعیان است. مهم‌ترین گروه شیعیان شهر کوئته هزاره‌ها هستند و در سایر مناطق اقوام بنگشی، تبتی، گلگتی، قندری‌ها، پنجابی و کرمی همگی از شیعیان هستند. فرقه‌ای از شیعیان نیز بیشتر در استان سند اقامت داشته و همگی از پیروان قلندر هستند. وضعیت کنونی شیعیان پاکستان قویاً با تحولات دو دهه اخیر که همراه با مناظرات بسیار بر سر اسلام راستین و اصیل بوده گره خورده است (هادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۸).

شیعیان در ابتدای استقلال پاکستان مورد تعرض هندوها بوده‌اند؛ اما با قدرت‌گیری وهابیون و سلفیون در پاکستان از طرف حرکت‌های افراطی وهابیون نیز مورد هجوم واقع شدند (فدوی و کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). در افکار وهابیان، مخالفت و تکفیر شیعه دوازده‌امامی یک اصل قلمداد می‌شود (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). باید اذعان داشت که نفوذ و قدرت اجتماعی شیعه پس از انقلاب اسلامی ایران از جمله عللی بود که فرقه‌های وهابی از خود حساسیت نشان دادند و از سال ۱۹۸۳ میلادی ستیزه‌جویی‌های وسیعی علیه شیعیان در پاکستان آغاز کردند (فدوی و کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۴۶). از سوی دیگر سرویس امنیتی پاکستان، طالبان را از مدارس دینی تجهیز، تعلیم و مسلح کرده و آن‌ها را به داخل مرزهای افغانستان فرستاد و مورد حمایت قرارداد (فدوی و کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۴۹). پیوندهای طالبان با گروهک‌های تندرو و بنیادگرای ضد شیعه به علت گرایش‌ها فکری و اندیشه‌ای فراوانی که دارند از ثبات زیادی برخوردار است، در سال ۱۳۸۸، پانصد هزار نفر از ساکنین شیعه ایالت پانچار پاکستان در محاصره مشترک نیروهای طالبان و سپاه صحابه قرار گرفتند که منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ششصد نفر از شیعیان در پانچار پاکستان شد

(جلال‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۳). در تفکر طالبانیسم که اندیشه به‌روز شده جریان فکری ابن تیمی و پیروان اوست، ضدیت با شیعه از اصول بارز آن است، ملامحمد عمر، رهبر طالبان اعلام کرد: شیعیان چیزی بین کفار و مسلمانان هستند و بدعت‌گذارانی هستند که می‌توان آنان را برای عقاید مذهبی‌شان آزار و اذیت کرد (فدوی و کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۵۰). این نگاه ایران و انقلاب و حکومت آن را که حاصل اندیشه‌ها و آرمان‌های شیعی است، به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعی جهان به چالش و ستیز می‌خواند (مصباح، ۱۳۶۸). تفکر دیگری که در شبه‌قاره هند و پاکستان علیه شیعیان فعالیت دارد، دیوبندی است که ریشه در شکست قیام مسلمانان هند در سال ۱۸۵۷ میلادی و انحلال رسمی حکومت گورکانیان و تسلط کامل انگلیس بر این کشور دارد (رشیدی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۱۰۰). دیوبندی‌ها اگرچه مقلد ابوحنیفه هستند؛ ولی در اندیشه و طرز تفکر به افکار محمد بن عبدالوهاب گرایش دارند و از نظر مسائل اجتماعی و سیاسی با وهابی‌ها اشتراکات فراوانی دارند (فدوی و کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۵۱). شاه ولی‌الله دهلوی، مؤسس و مروج مکتب دیوبندی در ارزیابی خود از شیعه در قرن هجدهم میلادی چنین عقیده داشت که: از ذریت حضرت مرتضی‌سه فرقه ضاله برآمدند که هیچ تقصیر نکردند و در به‌هم‌زدن دین محمدی، اگر حفظ او تعالی شامل حال این ملت نبودی از آن جمله شیعه امامیه که نزدیک ایشان قرآن نقل ثقات ثابت نیست و در ختم نبوت زندقه پیش گرفته (www.bashgah.net). عمده‌ترین گروه‌های وابسته به مکتب دیوبندی در پاکستان عبارتند از: جمعیت العلمای اسلام، سپاه صحابه و جمعیت اهل حدیث که این سه جناح متعلق به مکتب دیوبندی و دارای عقاید مشابه با وهابیت و شعارهای یکسان و حامیان خارجی واحد هستند (شفیعی، ۱۳۸۵: ۱۱). ظرفیت‌ها و بسترهای متجانس قلمروسازی و عمق بخشی انقلاب اسلامی در پاکستان غیرقابل چشم‌پوشی است، این انقلاب جنبش‌های خفته را بیدار کرد، بیداری‌های کم‌تحرک را سامانی دوباره بخشید و حتی در برخی موارد جنبش‌های پرتحرک را به سوی ایدئولوژی جدید فراخواند (درخنده و جهیری، ۱۳۹۰: ۳۹). انقلاب ایران سبب ساز اثرپذیری‌ها و کنش‌های غیرارادی و معکوس در میان مسلمانان شد و در اثر گسترش اسلام سیاسی، افراد، مراسم‌ها، مناسبت‌ها، سازمان‌های انقلابی و طیف‌گوناگون و گسترش یافته‌ای از انواع تاثیرگذاری‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در میان رهبران و روشنفکران به وجود آورد (رحمانی، ۱۳۹۱: ۲۱۷).

هم‌جواری با ایران

روابط ایران و پاکستان قبل از استقلالش تابعی از مناسبات ایران و انگلستان بود و بعلت ضعف ایران در دوران قاجار این مناسبات تحت تاثیر رقابت انگلستان و روسیه قرار می گرفت. بلوچستان ایران از گذشته مرز ایران و شبه قاره هند بوده است. این مرز در حال حاضر ۹۷۸ متر میان ایران و پاکستان است که از ملک سیاه کوه تا خلیج گواتر امتداد دارد و از نظر تهدید استراتژیک، امن ترین مرز برای دو دولت همجوار است. شیعیان پاکستان بعلت مجاورت و همسایگی با ایران وجود میراث فرهنگی و زبانی مشترک (فدوی و کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۵۵)، و آنکه به لحاظ ماهیت فکری و عقیدتی با مردم ایران سنخیت و اشتراکات زیادتری داشتند، تاثیر بیشتری از انقلاب ایران پذیرفتند (درخشه و جمیری، ۱۳۹۰: ۳۵). می توان گفت واژه دولت-ملت در کشورسازی پاکستان تاثیری نداشته، بلکه مذهب سبب همگرایی گروه ها و فرقه ها شده است و تاریخ این کشور همواره شاهد درگیری میان مذاهب، اقوام و گروه ها جهت تصدی حاکمیت و قدرت بوده است، مثل درگیری های خونین میان مسلمانان و هندوها و یا شیعیان و سنی ها (فدوی و کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲). انقلاب ایران باعث شد تا حیات سیاسی-اجتماعی شان زندگی دوباره ای بیابد و در گسترش تشکیلاتی شدن شیعیان پاکستان اثرات مثبتی را برجای گذاشته به صورتی که به شکل گیری خودآگاهی، هویت جویی و تقویت رفتار مذهبی شیعیان، رشد مطالبات سیاسی، نهادسازی و ایجاد تشکل ها و احزاب سیاسی و نقش آفرینی بیشتر شیعیان در سیاست نقشی انکارناپذیر ایفاء نماید (کامران و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰).

زبان فارسی

زبان اردو که زبان رسمی کشور پاکستان است پر از واژگان فارسی است. دپارتمان زبان فارسی از سال ۱۸۷۰ میلادی در پاکستان تأسیس گردید. طبق گزارش گردهمایی استادان زبان و ادبیات فارسی در شهر لاهور ۱۳ بخش در پاکستان وظیفه آموزش زبان فارسی را به عهده دارند و در مجموع ۱۴ هزار دانشجوی زبان فارسی با کمک ۱۵۰ عضو هیئت علمی در ۳۷ دانشگاه پاکستان مشغول به تحصیل هستند. مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارس در اسلام آباد با حدود ۴۰ سال سابقه فعالیت، گنجینه ای از نسخ خطی گردآوری کرده است در این گنجینه ۱۷ هزار و پانصد جلد کتاب خطی وجود دارد.

حکومت دینی مشابه

پاکستان یک جمهوری فدرال است که به‌عنوان جمهوری اسلامی پاکستان شناخته شده است. برابر اصل دوم قانون اساسی، دین رسمی این کشور اسلام است. از این‌رو در این کشور بیشترین نقش را مسلمانان بازی می‌کنند. از آنجا که پاکستان کشوری اسلامی است و بر مبنای اکثریت جمعیت مسلمان، جدایی این کشور از هند شکل گرفت، توسعه روابط با کشورهای مسلمان نیز از اصولی است که در سیاست خارجی پاکستان به آن تأکید شده و بر اساس ماده ۴۰ قانون اساسی پاکستان، دولت برای حفظ و تکریم روابط برادرانه بین کشورهای اسلامی، بر اساس وحدت اسلامی کوشش می‌نماید. برخی اعتقاد داشتند، بعد از وقوع انقلاب پاکستان به‌عنوان حلقه دوم انقلاب اسلامی شناخته خواهد شد، شیرین هانتر در توضیح چرایی آن چنین می‌گوید، چه برای کسانی که در حوزه اسلامی فعال هستند و چه کسانی که به‌طور اخص فعالیت‌هایی در این حوزه ندارند، ولی تمایل دارند جوامع آنها نیز از اصول اسلام الگوبرداری کند، ایران نمونه بسیار جذابی است چرا که ایران به‌عنوان تنها کشوری شناخته شده است که در آن به‌طور رسمی اسلام، پایه و اساس حکومت قرار گرفته است؛ باز این رو، بیشتر مسلمانان بر این عقیده‌اند که حمایت از این کشور وظیفه هر مسلمانی است (فدوی و کنعانی، ۱۳۹۵: ۱۵۷).

نهادهای و سازمان‌ها

شکل‌گیری فعالیت سازمان‌یافته گروه‌های شیعی در پاکستان نظیر نهضت جعفری و همچنین سازمان‌هایی که به دنبال وقوع انقلاب اسلامی به‌صورت جدی‌تری در مناطق شیعه‌نشین پاکستان ظهور یافتند نظیر مجمع وحدت مسلمانان (MWM)، سازمان دانشجویی امامیه (I.S.O) و سازمان امامیه (I.O) که متشکل از فارغ‌التحصیلان شیعه دانشگاه‌های پاکستان هستند، با ایجاد آگاهی ناشی از انقلاب اسلامی ایران، به تدریج در انسجام‌یافته‌تر عمل کردن آنها اثرگذار بوده است. به‌عنوان مثال، در آوریل ۱۹۷۹ میلادی، در ایالات پنجاب به رهبری علامه مفتی جعفر، گردهمایی بزرگی در اعتراض به تحمیل فقه حنفی و نادیده گرفته شدن فقه جعفری در قوانین اسلامی کشور برگزار کردند که این اجتماع بزرگ شیعیان علیه دولت وقت حتی در تاریخ پاکستان بی‌نظیر بود، براین اساس، ضیاءالحق اعلام کرد که در آینده، فقه جعفری را در همه قوانین کشور لحاظ کرده و در مخالفت با آن هیچ قانونی تصویب و اجرا نخواهد شد (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۴۵).

در حال حاضر سازمان دانشجویان امامیه پاکستان (سازمان دانشجویان امامیه پاکستان - ISO) یکی از سازمان‌های مورد حمایت ایران است. دولت ایران از برخی سازمان‌های سنی در کنار این سازمان‌های شیعی حمایت می‌کند. از جمله این گروه‌ها می‌توان به «جماعت اسلامی» و «جامعه علمای اسلامی سمیع الحلک» اشاره کرد که همه این سازمان‌ها و گروه‌ها با برخی ابزارهای تبلیغاتی در پاکستان بر شیعیان تأثیرگذار هستند. این فعالیت‌ها از طریق کانال‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها و وبسایت‌ها انجام می‌شود. www.islamitimes.org، وبسایت‌هایی مانند www.shiaforums.com، en.shiapost.com، www.ya_hussain.com، www.islamicthought.co.uk، شبکه‌های تلویزیونی مانند تلویزیون هادی و تلویزیون و وحدت، تحریک، پیام، صدای فلسطین، روزنامه‌هایی مانند مصر ب لب، متمیز الساهر، العارف، محزان، وقایق اسلام، نوای اسلام، پیام زنیب، بدری، اعوان صداقت، طاهره برای پاکستانی‌های شیعه منتشر می‌کنند. تأثیرگذارترین این روزنامه‌ها «وحدت» و «تحریک» هستند. علاوه بر این، اندیشکده‌های شیعی در پاکستان نیز بر شیعیان تأثیرگذار هستند. اندیشکده‌هایی مانند البصیره، اسلامی مرکز، دانمارکی کذا، اندیشکده جوانان اهل حرم و افکار اسلامی. دانشگاه اسلامی آل کوثر در اسلام‌آباد توسط ایران حمایت می‌شود و برای گسترش تشیع تلاش می‌کند. همچنین مراکز فرهنگی ایران در راولپندی، لاهور، کراچی، کوئته و مولتان برای تبلیغات فرهنگی ایران تحت حمایت ایران هستند. همان‌طور که اشاره شد جمهوری اسلامی ایران همواره فعالیت‌های زیادی در گسترش افکار انقلابی در پاکستان انجام داده که نتایج مطلوبی را نیز به همراه داشته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تقویت موقعیت دینی و سیاسی شدن در جامعه، ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی در نسل جوان شیعیان، تشکیلاتی‌تر شدن گروه‌های شیعی، افزایش اقبال به سمت روحانیت و تقویت این نهاد در میان شیعیان، تقویت روحیه مبارزه و مقاومت اسلامی در برابر حکومت‌های داخلی و دولت‌های بیگانه (ملکو تیان، ۱۳۸۲: ۲۷۲).

ارمان فلسطین

پس از تأسیس پاکستان (۱۹۴۷م) این کشور نوین‌یاد اسلامی نیز مرکز ابراز احساسات پرشور مسلمانان بر ضد صهیونیسم در شبه‌قاره گردید. نماینده پاکستان در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل (نوامبر ۱۹۴۷) همراه با نمایندگان کشورهای عربی (و نیز هند) بر ضد لایحه تقسیم فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل در بخشی از آن سرزمین هم‌آوا شد و برای قانع ساختن نمایندگان

دیگر کشورها نسبت به ظالمانه بودن لایحه مزبور، فعالیت‌های شایان انجام داد. در جمادی‌الاولی ۱۳۷۱ق/۱۹۵۲م نخستین کنفرانس اسلامی در کراچی (پایتخت آن روز پاکستان) به ریاست حاج امین‌الحسینی تشکیل یافت و شخصیت‌ها و گروه‌های مبارز از سی و شش کشور اسلامی در آن شرکت جستند و درباره مشکلات جهان اسلام به‌ویژه اسارت قدس شریف در چنگال صهیونیسم، به تبادل نظر پرداختند. این کنگره جلوه‌های از ستیز سازش‌ناپذیر امت اسلام با استعمار و صهیونیسم را به نمایش گذاشت و نشان داد که پاکستان، به‌عنوان نقطه تمرکز و تجمع مسلمانان شبه‌قاره، مانع بلکه خطر بزرگی برای موجودیت اسرائیل و مطامع و منافع آن در جهان و منطقه است (محمدی، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

بحث و نتیجه‌گیری

عمق‌بخشی از مفاهیم نوظهور در ادبیات راهبردی است که با قرابت‌های معنایی‌اش یا مفاهیم صدور انقلاب و بازتاب انقلاب حامل بار معنایی خاصی نیز است. در حال حاضر با گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی ایران، رهبران و راهبرد پژوهان انقلاب برآند تا با تکثیر ارزش‌های خود در فراپیرامون، علاوه بر افزایش شعاع اثرشان در محیط‌های گوناگون، با کاستن از تهدیدات منافع امنیت ملی و بستر لازم برای کسب آن منافع را بیشینه نمایند؛ بنابراین مناطق ژئوپلیتیک پیرامونی، نقش ویژه‌ای در کسب و تأمین منافع و امنیت ملی کشورها ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این مناطق شبه‌قاره هند است. این منطقه به علل مختلف ژئواکونومیک، ژئوکالچری و ژئواستراتژیکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیک مجاور کشورمان به‌شمار می‌رود و ایران با کشورهای این منطقه از یک سو دارای اشتراکات عمیق فرهنگی و تاریخی و از سوی دیگر منافع اقتصادی و امنیتی مشترک است. وضعیت فعلی منطقه جنوب آسیا صحنه تضادهای درونی و تعارضات ژئوپلیتیک است. فضای غالب رقابتی دو قدرت هند و پاکستان در موقعیتی است که چشم‌انداز آینده آن را در مقیاس روابط درون منطقه‌ای آشفته ترسیم می‌کند و در حال حاضر نیز روند حوادث و ترتیبات سیاسی نشان‌دهنده سیر این منطقه به‌سوی رویارویی و دشمنی‌های نهادینه شده‌ای است که به‌عنوان میراثی تاریخی از زمان ازبین‌بردن یکپارچگی آن توسط استعمار به‌جامانده است.

در دوران کنونی، نظام بین‌المللی دولت‌ها برای تحقق اهداف و تأمین منافع در سیاست خارجی خود، از ابزارها و تکنیک‌های گوناگونی نظیر دیپلماسی، ابزارهای اقتصادی، مالی، تجاری و تکنولوژیک، فرهنگی و تبلیغاتی و نظامی بهره می‌گیرند. جمهوری اسلامی ایران در مدل عمق‌بخشی خارجی و راهبردی خود به دنبال جذب ملت‌ها و اقلیت‌های همسوی با خود در جهت گسترش حوزه نفوذ انقلاب اسلامی است. عمق‌بخشی و نفوذ از شاخص‌های قدرت دولت‌ها محسوب می‌شود که از طریق آن قدرت‌های منطقه‌ای تلاش می‌کنند تا دیگر دولت‌ها را در جهت اهداف یا سیاست‌ها و منافع خود به بازیگری وادار سازند؛ لذا جمهوری اسلامی ایران با گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی با محوریت مولفه‌های وحدت جهان اسلام، عدالت‌خواهی، امت‌خواهی، تأکید بر آرمان فلسطین، مستضعف‌نوازی و استکبارستیزی از طریق حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، الگوسازی، آموزش، تبلیغ و آگاه‌سازی در صدد افزایش عمق راهبردی خود در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. وجود شیعیان در کشورهای هند و پاکستان به‌خودی‌خود باتوجه به پتانسیل‌های درونی و گرایش مذهبی مشترک اعم از اهمیت رهبری دینی و خودباوری، خدا‌باوری، مردم‌باوری، مردم‌گرایی و مردم‌سالاری دینی و تاسی بر امامان، مراسمات و آداب مشترک، وجود مبلغین، اهمیت مسئله فلسطین به‌عنوان نماد مبارزه با استکبار همه‌وهمه از بسترهای مساعد عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در این دو کشور هستند.

در کنار موارد ذکر شده سایر زمینه‌ها و شرایط این اقلیت در کشورهای شبه‌قاره هند اعم از وضعیت از اقتصادی نامناسب، فشارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌های گرایش به الگوی صادره از سوی جمهوری اسلامی ایران را بیش‌ازپیش فراهم می‌سازد؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران در راستای افزایش عمق استراتژیک خود با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و گاه حمایت‌های نظامی و لجستیک از گروه‌های مقاومت و جهادی در این منطقه که علیه استکبار داخلی یا خارجی در حال مبارزه بوده‌اند در عمق‌بخشی عملیاتی انقلاب اسلامی کوشیده است. بدین ترتیب می‌توان اذعان داشت که اقلیت‌های شیعه در منطقه شبه‌قاره هند از الگوی انقلاب اسلامی الهام گرفته و جزئی از شبکه گسترده جهانی انقلاب اسلامی ایران در تلاش برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی که آرمان‌های الهی و متعالی شیعیان نیز در دایره شمول آن قرار می‌گیرد، بوده و می‌توانند جمهوری اسلامی را در ترسیم نظم نوین جهانی بر

محوریت انقلاب اسلامی همراهی و یاری می‌رسانند. با این حال باید اشاره کرد عمق افزایش راهبردی ایران با تأکید بر شیعیان در پاکستان موفق‌تر از هند بوده چرا که شیعیان هند فاقد احزاب یا حزب سیاسی قوی بوده و نماینده سیاسی ندارند؛ بنابراین نمی‌توانند به‌سهولت اهداف ایران را پیش‌بری کنند که شاید بتوان از دلایل آن بر اقلیت بودن، عدم خودباوری، نبود آموزش و رسانه‌های فعال جهت اطلاع‌رسانی وجود مشکلات اقتصادی سیاسی و فرهنگی اشاره کرد. با این وجود عمق افزایش راهبردی انقلاب اسلامی در پاکستان سبب تقویت موقعیت‌های دینی و سیاسی شیعیان در این کشور، افزایش سطح بینش سیاسی مذهبی آن‌ها و انسجام تشکیلاتی گروه‌های سیاسی شده است که مراتب نشا‌دهنده موفقیت جمهوری اسلامی ایران در این حوزه است.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- ابوالخانی، علی (۱۳۹۵)، مناسبات ژئوپلیتیک هند و اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران.
- احمدی، حمید، ۱۳۹۰، سیر تحول جنبش های اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- احمدی، سیدعباس (۱۳۸۹)، نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ مطالعه موردی: تشیع و ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۶، شماره ۱، صص ۷۴-۳۷.
- اسپوزیتو، جان آل (۱۳۹۱)، انقلاب ایران و بازتاب های جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات باز.
- استمپل، جان، دی (۱۳۷۷)، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شعاعی، تهران: نشر نگارش.
- افتخاری، اصغر و ابراهیم آبادی، حسین و فیروزکوهی، مهدی (۱۳۹۶)، ظرفیت سنجی نظریات روابط بین الملل در عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی. فصلنامه آفاق امنیت، سال دهم، شماره ۳۶- پاییز ۱۳۹۶، صص ۹۰-۶۳.
- افتخاری، اصغر و فیروزکوهی، مهدی (۱۳۹۷)، اعتباربخشی علمی به الگوی طراز عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره سی و نهم- تابستان ۱۳۹۷، صص ۳۷-۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۴)، تاثیرات انقلاب اسلامی ایران در گستره جهانی، نامه پژوهش، شماره ۱۱، صص ۱۲۳-۹۹.
- جاستین جونز، (۲۰۲۱) «اسلام شیعه در هند استعماری»، ۵، انتشارات دانشگاه کمبریج.
- جلال پور، شهره، فلاح، محمد، محمود زاده، فاطمه (۱۳۹۹)، متغیرهای تاثیر گذار بر واگرایی روابط ایران و پاکستان، مجله بین المللی پژوهش ملل، شماره ۵۶.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت، صص ۲۱-۱۷.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۶)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پاپلی.
- حشمت زاده، محمداقبر (۱۳۸۵)، تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ
- خرمشاد، محمداقبر و همکاران (۱۳۹۳)، بازتاب های انقلاب اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.
- داود اغلو، احمد (۱۳۹۱)، عمق راهبردی موقعیت ترکیه در صحنه بین المللی. ترجمه نوحی نژاد ممقانی، تهران. موسسه انتشارات امیرکبیر.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین الملل، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- روا، الیور (۱۳۶۹)، افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه ابوالحسن سرومقدم، مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

روحانی، حسن (۱۳۹۱). گفت‌وگو با امام خمینی (ره) پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی، فصلنامه راهبرد؛ سال ۲۱. ربیعی، حسین و کریمی پور، یدالله و ابوالخانی، علی (۱۳۹۵). ژئوکالچر و امنیت، اقدامات اسرائیل در قلمرو فرهنگی ایران: مطالعه موردی: هند. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره ۱۲، شماره ۴۴، زمستان. صص ۸۵-۶۶.

رکابیان، رشید، خندان، سیروس، (۱۳۹۸)، دیپلماسی ایدئولوژیک، تعامل یا تقابل با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۸. شفق خواتی، محمد (۱۳۹۰)، نگاه اجمالی به جریان‌های فکری و سیاسی افغانستان، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۷.

صفری، اصغر (۱۳۹۳)، بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مسلمانان انگلیس و تاثیر آن بر عمق بخشی انقلاب اسلامی ایران، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).

صفوی، سید یحیی (۱۳۹۲)، جزوه درسی (منتشر نشده) - عمق بخشی، دوره دکتری مطالعات بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران.

سیفی، عبدالمجید، عله پور، مهرداد (۱۴۰۰) جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی هند، منابع و چشم انداز آینده، فصلنامه شبه‌قره هند. سال ۱۲، شماره ۳۸.

طاهری، ابراهیم، (۱۴۰۰)، راهبرد شبکه‌سازی و جایگاه ج.ا.ا در سیاست خارجی هند در اوراسیا، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۴۹.

طالب، حمید (۱۳۹۳)، گزارشی تحلیلی از آثار شیعه پژوهی شبه‌قاره هند، پژوهش‌های منطقه‌ای، تابستان ۹۳، شماره

عرب احمدی، امیر بهرام، (۱۳۹۳)، شیعیان خوجه ائنا عشری در گستره جهان، انتشارات شیعه‌شناسی قم. غلامی، مجید، واثق، محمود، قالیباف، محمد باقر، (۱۴۰۱). همگرایی ناتو و هند و اثرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره هند.

فرشته، محمد قاسم (۱۳۹۷). گلشن هندو شاه استرآبادی، تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد ۱. صص ۲۲-۲۷. فیروزکوهی، مهدی (۱۳۹۶). الگوی عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری و اعتبار بخشی نظری به آن، رساله دکتری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، گروه مطالعات آینده‌نگر. به راهنمایی دکتر اصغر افتخاری.

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره سی و هشتم بهار ۱۳۹۷. صص ۳۳-۵.

قاسمیان، علی (۱۳۹۴)، تاثیر انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی نظام بین‌الملل، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هشتم.

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، چاپ پنجم، ویرایش اول، تهران، انتشارات سمت.

کاظمی، سیدآصف (۱۳۹۲)، نظریه پخش و تاثیر حوزه علمیه قم بر معرفت سیاسی افغانستان، پژوهش های منطقه ای.

کامران، حسن و همکاران (۱۳۹۲)، تاثیر انقلاب بر شیعیان پاکستان براساس نظریه پخش، جغرافیای ایران. المجتمع، ۱۴۱۷ ق، العلاقات الهندیه- الاسرائیلیه و مخاطرها علی دول العالم الاسلامی، مجله المجتمع، کویت. محمدی، محسن و مهدوی، غلامرضا (۱۳۹۷). تحلیل و بررسی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان هند، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پانزدهم، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۵۳، صص ۴۲-۲۳. محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مطلبی جونفانی، محسن و طاقتی، عب طیرضا و عفرای، محمدرضا (۱۳۹۶). ظرفیت سنجی جنبش انصارالله یمن در عمق بخشی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۶. زمستان ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۰۳. موسوی، بیبی فاخره (۱۳۹۰)، عوامل تاثیرگذار در مشارکت سیاسی زنان در افغانستان ۱۹۷۰/۲۰۰۶م. میلانی، جمیل و اسماعیلی، محمدتقی (۱۳۹۳). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر پاکستان، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۳۸. صص ۶۴-۴۷.

نجفی سیار، رحمان و علی پور، عباس (۱۳۹۲). کشتار سازمان یافته شیعیان در پاکستان (علل، اهداف و بازیگران). فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره بیستم- پاییز ۱۳۹۲. صص ۱۳۶-۱۰۹. نجفی، سجاد و خسروی، علی رضا (۱۳۹۸)، مولفه های افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش، فصلنامه آفاق امنیت، سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۸. صص ۵۵-۳۳. نظری، علی اشرف و یوسف زهی، ناصر (۱۳۹۵). نظریه پخش و بازتاب های انقلاب اسلامی بر افغانستان. نشریه پژوهش های انقلاب اسلامی: زمستان ۱۳۹۵، شماره ۱۹.

هادی پور، میثم، حافظ نیا، محمدرضا، کرمی نژاد، حسین و قره بیگی، مصیب (۱۳۹۹)، بررسی چالش های ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا (شبه قاره هند)، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۳، شماره ۴۹.

هادی پور، میثم، حافظ نیا، محمدرضا، سجادپور، محمدکاظم و خراشادی زاده، محمدرضا (۱۳۹۹)، بررسی فرصت های ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا (شبه قاره هند)، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۶۰.

یاری، احسان (۱۳۹۶)، الزامات ژئوپلیتیک و ضرورت های راهبردی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در محیط آنارشیک نظام بین الملل. فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۲. شماره ۴۲. بهار. صص ۶۱-۳۷.

منابع انگلیسی:

Jones, Justin, 2014, Shiism, Humanity and Revolution in Twentieth India: Selfhood and Politics in the Hisainology of Ali Naqi. In Journal of the Royal Asiatic Society, Vol. 24, Issue 03, July 2014.

- Kamran, Tahir and Amir Khan Shahid, 2014, Sharia, Shias and Chishtiya Revivalism: Contextualising the Growth of Sectarianism in the Tradition of the Sialvi Saints of the Punjab, In Journal of the Royal Asiatic Society, Vol. 24, Issue 03, July 2014.
- Koepke, Bruce(2013), Irans Policy on Afghanistan: the Evolution of Strategic Pragmatism, Sweden: Sipri.
- Ranjabar, Maghsud, & Oveisi Kahka, Abolghasem(2014), Examining Political Relationship between Iran & Afghanistan by Focus on Sistan, Institute of Interdisciplinaery Business Research, pp: 36-43.
- Johnston, R. J. 1990, Review of J. A. Agnew and J. S. Duncan(end), The Power of Place(Boston and London: Unwin Hyman, 1989), In Progress In Geography, No, 14. PP.447-8.

سایت‌های اینترنتی:

- ظریف، محمد جواد(۱۳۹۲). برنامه پیشنهادی ظریف برای وزارت خارجه ارتقای روابط و کاهش تنش‌ها و خصومت‌ها/بهبود روابط با همسایگان، تاریخ ۱۵ مرداد، بازیابی از وبگاه خبرگزاری فارس:
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920515001161>
- وبگاه تحلیلی طنین(۱۳۹۵). گزارش: علل و چرایی حمایت ایران از محور مقاومت با تأکید بر اندیشه‌های رهبر انقلاب. تاریخ: ۳۰ فروردین. بازیابی از وبگاه طنین: -qt/147?content/
<http://tanincenter.com/content/147?qt-sidebar=1>
- خرم‌شاد، محمد باقر(۱۳۹۲)، جنگ نرم و عملیات روانی، بازیابی شده در تاریخ ۸ اردیبهشت
<http://www.psyop.ir/ip=41871>
- شفیعی، نوذر(۱۳۹۶)، آیا سکوت ایران مدیرانسه بود؟، دیپلماسی ایرانی،
<http://www.irdiplomacy.ir/page/fa/1911619> آدرس
- صمدی، علی(۱۳۹۲)، بررسی تاثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان پاکستان، قابل دسترسی در
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=1392021600217>سایت

